بررسی جایگاه، آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب در متون اسلامی

سلامت فردی و اجتماعی نتیجه یک حکم جهان‌شمول

حجاب به معنای پوشـاندن بدن زن در برابـر نامحرم، از احکام ضروری دین اسلام است. در ادیان الهی دیگر از جمله آیین زرتشت، یهود و مسـیحیت نیز این حکم با تفاوت‌هایی وجـود دارد. یکی از نیازهـای حقیقی و مسـلم در زمینه‌های تربیتـی، دینی، اخلاقی و فرهنگی، مسأله «حجاب و عفاف» است. هرچه الگوهای حجاب مراتب برتر و بالاتری داشته باشد، تأثیر بیشتری بر معنویت و دینداری فرد و جامعه خواهد گذاشت؛ هرچه حجاب فردی و اجتماعی، متعالی باشد، نورانیت، تقدس، حرمت اخلاقی و رشد و تعالی جامعه اسلامی بیشتر خواهد بود و هرچه خلأ در این زمینه محسوس‌تر باشد، مشکلات و آسیب‌های سلامت، رشد و امنیت فردی و اجتماعی فزون‌تر است.

هرچند مسأله حجاب و عفاف به‌ظاهر یک مسأله کهن و تکراری است ولی ابعاد نوینی دارد که با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از این زوایا را استخراج کرد. یکی از راه‌های گسترش و توسعه حجاب و عفاف این اسـت که به مفهوم حجاب و آثار تربیتی آن در اسـلام بپردازیم. بنابراین ضرورت بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی و جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن به عنوان یک مسأله پژوهشی مطرح شـده که از طریق این تحقیق به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داده خواهد شـد: ۱- حجاب در متون اسلامی چه مفهومی دارد؟ ۲- آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب در ۲ سطح فردی و اجتماعی چیست؟

۱- پیشینه

پژوهش‌هایی که درباره حجاب انجام شـده، بسیار زیاد است ولی به دلیل بعد تبیینی‌ای که این مسـأله دارد، با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی زوایای جدید آن را استخراج کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محمدی آشنایی (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان حجاب در ادیان الهی به بررسی حجاب پرداخته است. او ضمن مرور مسأله حجاب در ادیان مختلف از گذشته‌های دور تا امروز، بر فطری بودن حجاب تأکید و در پایان، علل انحراف شرایع از حجاب را مطرح کرده و به آثار بدحجابی در جامعه پرداخته است. عسکری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب در ادیان الهی» به بررسی حجاب و حدود آن در ادیان مختلف پرداخته اسـت. او ابتدا به فطری بودن پوشـش اشاره کرده، آنگاه حجاب را جداگانه در هر یک از ادیان بررسی کرده است. او به وجود حجاب در همه ادیان اذعان دارد. فیاض (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب، ریشه در تاریخ کهن ایران دارد» به بررسی حجاب پرداخته است و پس از اینکه درباره پوشش از گذشته‌های دور واکاوی می‌کند، اینگونه نتیجه می‌گیرد که حجاب ریشـه در فطرت انسـان دارد و ادیـان تنها مهر تأیید بر آن زده‌انـد. قانع (۱۳۷۲) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب و پوشـش در تاریخ معنویت بشـر قبل از اسـلام» به بحث تاریخی درباره پوشـش پرداخته و با مطالعه درباره انسان‌های اولیه و با استفاده از آثار به‌جا مانده از آنها نشان داده است در طول تاریخ، زنان پوشش بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند. سپس او به بررسی حجاب در ادیان می‌پردازد و بیان می‌دارد حجاب جنبه فطری داشته است و انبیا با وضع حجاب، به ندای فطرت بانوان پاسخ گفته‌اند و سـلاح دفاعی آنها را تقویت کرده‌اند. خرقانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه حجاب و پوشـش در ادیان مختلف» به بررسی ریشه و منشأ حجاب و تاریخچه آن از آدم تا خاتم یا حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن می‌پردازد. او معتقد است حجاب همیشـه وجود داشته و گاه به صورت دستور دینی و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ رعایت می‌شـده اسـت. استاد مطهری (۱۳۵۳) در کتاب مسأله حجاب به بررسی حجاب و پاسخ به شبهات موجود درباره آن پرداخته است. او ضمن تأکید بر فطری بودن حجاب، آن را تدبیر زن برای ارزشمندی خود می‌داند. حسینی‌منش (۱۳۷۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان الهی» ابتدا به فرهنگ لباس و آنگاه به فلسفه پوشش در اسلام، فطری بودن پوشـش، فواید حجاب برای صیانت خانواده، بهداشـت روانی و حفظ شـخصیت زن می‌پردازد و در ادامه، حجاب را از منظر قرآن و روایات و فتاوا بررسی می‌کند و در آخر نیز به اهمیت حجاب در میان ادیان دیگر می‌پردازد. شـفیعی مازندرانی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «چیستی حجاب اسلامی؛ معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب» ضمن بررسی واژه حجاب، اثبات می‌کند حجاب انواعی دارد و در هر مورد آن، چیستی خاصی از حجاب را می‌توان از دیدگاه اسـلام مشاهده کرد و در این مقاله اثبات می‌شود حجاب، یک اصل سابقه‌دار در میان افراد بشر است. همچنین حجاب در راستای تقویت، عفت و کمال انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده است و از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فسادهای اخلاقی پیشگیری می‌کند.

۲- مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. «ابن‌درَید» می‌گوید: «حَجَبت الشـیءَ... إذَا سَتَرته، وَالحِجَاب السترِ... إحتَجَبَت الشمس فِی السحَابِ إذَا تَستَتَرت فِیهِ: حجاب، پوششی است که روی شیء را فرامی‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرومی‌رود، عرب می‌گوید: إحتَجَبَت الشمس فِی السحَابِ». (ابن‌درَید، ۱۹۸۷م: ذیل واژه حجب) «فیومی» این واژه را چنین توضیح می‌دهد: «حجب فعلی متعدی اسـت و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع دیدن اسـت و به دربان، حاجب گفته می‌شـود، زیرا وی مانع ورود افراد اسـت. این واژه در اصل بر موانع جسـمانی اطلاق می‌شود ولی برخی مواقع، به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شـود». (فیومی، بی‌تـا: واژه حجب) از گفتـار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع دیدن شیئی پوشیده می‌شود. استاد مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه چنین بیان می‌کند که کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشـترین استعمال آن به معنی پرده است. این کلمه از آن رو مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت به حسب اصل لغت، هر پوشش حجاب نیست و آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت‌پرده واقع شدن صورت گیرد. (ر.ک؛ مطهری،۱۳۶۷: ۳۸۶- ۳۹۱) این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. شهید مطهری می‌فرماید قرآن کریم، غروب خورشید را در داستان سلیمان اینگونه توصیف می‌کند: «حَتی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ؛ یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت‌پرده مخفی شد». تعبیر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری» و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است. در دستوری که امیرالمؤمنین علی(ع) به مالک اشتر نوشته‌اند، می‌فرمایند: «فَلاَ تَطولَن احتِجَابکَ عَن رَعِیتِکَ» یعنی در میان مردم باش، کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجـب و دربان، تو را از مـردم جدا نکند، بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده». (نهج‌البلاغه/ ن ۵۳).

۳- مفهوم اصطلاحی حجاب

حجـاب در علومی چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خـود را دارد. در فقه، ایـن واژه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان ۲ چیز باشد، به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متأخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشـش خاص زنان اطلاق شـده است. شهید مطهری در این‌باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و بویژه در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشـش اسـت، به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شـده‌اند، کلمه سِـتر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجـاب. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شـد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنانکه گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده عده زیادی گمان کنند اسلام خواسته است زن همیشه پشت‌پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب اسـت. در آیـات مربوط، لغت حجاب به کار نرفته اسـت. آیاتی که در این باره هست، چه در سـوره مبارکه نور، چه در سوره مبارکه احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است، بی‌آنکه کلمه حجاب را به کار برده باشـد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است، مربوط به زنان پیغمبر اسلام است. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشـتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر اسـت، نه پرده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. (ر.ک؛ علیمردی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

۴- جایگاه حجاب در قرآن

مسـأله حجاب در ۲ سوره از سـوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۵۹ سـوره احزاب مطرح شـده است و آنگاه با تفصیل بیشـتری در سوره نور آمده است: «به زنان باایمان بگو چشـم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهران‌شـان، یا پدران‌شان، یا پدرشوهران‌شـان، یا پسران‌شان، یا پسران همسران‌شان، یا برادران‌شان، یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان هم‌کیش‌شان، یا بردگان‌شان [= کنیزان‌شان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شـوید». «زنان از کارافتاده ای که امید بـه ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم، خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر اسـت؛ و خداوند شنوا و داناسـت». در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور، قل لِلْمؤْمِنِینَ یَغضوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظوا فروجَهِمْ...، کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر(ع) می‌فرمایند: «جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بناگوش و گردن ایشان هویدا بود]. وقتی زن از کنار وی گذشت، جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می‌رفت، وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می‌کرد، به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه‌شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکسـت. وقتی آن زن از نظرش محو شـد، نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌رسم و او را از این مسأله خبردار می‌کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جویا شـد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: قل لِلْمؤْمِنِینَ یَغضوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظوا فروجَهِمْ ذَلِکَ أَزْکَی لَهُمْ إنالله خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعونَ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۵۲۰). سـیوطی نیز این شـأن نزول را به نقل از ابن‌مردویه از امام علی(ع) نقل کرده اسـت. (به نقل از: طباطبائی، ۱۳۷۰، ج۱۵: ۱۱۶) از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریع حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

۵- آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب

آثاری که از حجاب به‌جا می‌ماند، ابتدا در روح و روان فرد پدیدار می‌شود، زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادگی برای خود پوششی انتخاب می‌کند، حتماً در خود احساس آرامش و سربلندی می‌کند. این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسـلمان است. جامعه‌ای که افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم همنوعان خود نشده، محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کنند، به سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهد رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سـالم و چشـم و گوش پاکی داشته باشـند. اکنون آثار و جلوه‌های تربیتی حجاب را در ۲ سطح فرد و اجتماع بررسی می‌کنیم.

۵-۱- آثار فردی حجاب

۵-۱-۱- شخصیت زن

«شـخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عـادات و اخلاقیات یک انسان اسـت و خلاصه هرچه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیسـت و شـخصیت او است. تنها راه بالا بردن شخصیت زن را حجـاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب رو آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شـود. مردها ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود ارج نهند و به همسـران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی‌حجاب در بعد همسـری و مادری، شکست خورده و در بعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه‌ناخواه سقوط کرده اسـت». (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۵ـ۵۲) اسـلام بویژه تأکید کرده اسـت زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شـود. (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۵۹) به طور کلی، اشیائی که در همه‌جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به‌آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سـویی، بشـر همواره اشـیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شـیوه‌ای خاص از آنها مراقبت می‌کند. اسـلام که زن را گوهر گرانبهای هسـتی و صاحب شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف، بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌کنند، در حقیقت، زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است. قبل از ظهور اسلام، نه‌تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: وَإذَا بشرَ أَحدهمْ بِالأنثَی ظَل وَجْهه مسْوَدا وَهوَ کَظِیمٌ (النحل/ ۵۸)، در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسـلام مقام زن را بالا برد و شـخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. (ر.ک؛ محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

دکتر «گوسـتاو لوبون» مورخ معروف فرانسـوی می‌گوید: «این مطلب نیز روشـن شد که اسلام در بهبود وضع زنان بسیار کوشیده اسـت و نخستین مذهبی اسـت که مقام زن را بالا برده است و روی هم رفته زنان مشرق‌زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت، بهتر از زنان اروپایی هستند. اسلام نه‌تنها زن را یک انسان کامل می‌داند، بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی می‌کند: مَا أَکرَمَ النسَاءَ إلا الکَرِیم وَ مَا أَهَانَهن إلا اللئِیم: هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند، مگر کریمان و به آنان اهانت نمی‌کنند، مگر لئیمان بی‌ارزش». (پاینده، ۱۳۷۳: ۳۱۸) بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده، شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگو روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است: یَا أَیهَا النبِی قل لأَزْوَاجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمؤْمِنِینَ یدْنِینَ عَلَیْهِن مِن جَلاَبِیبِهِن ذَلِکَ أَدْنَی أَن یعْرَفْنَ فَلاَ یؤْذَیْنَ وَکَانَ‌الله غَفورًا رحِیمًا (الأحزاب/ ۵۹). ویلیام جیمز، روانشناس معروف، در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: «زنان دریافتند که دسـت‌ودل‌بازی، مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند». (محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵)

۵-۱-۲- سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌کند. به آمار ذیل توجه کنید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشـته است ولی بخوبی گویای یکی از عوارض فساد است. طبق تحقیقاتی که در ایالات متحده به عمل آمده، روی‌هم‌رفته ۹۰ درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عده‌ای که در بیمارسـتان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر اسـت. از تمام بیمارسـتان‌های ایالات متحده، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، در حالی‌که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشکان خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌کنند. (ر.ک؛ همان: ۴۵) سـالانه ۳۰ تا۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متحده ناشی می‌شود، از مجموع همه امراض مختلف غیر از سِل، بیشتر است (ر.ک؛ همـان). دکتر «آمبروس لینگ» کـه از مقامات صلاحیت‌دار درباره بیماری‌های آمیزشـی است، اعلام کرده از سال ۱۹۵۷ به بعد، بیماری‌های آمیزشی در بین جوانان کم‌سال افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته اسـت. در میان پسـران ۱۵ تا ۱۹ سـال، ۶۷/۳ درصد و مقدار افزایش در میان دختران که همین سـن را دارند، ۶۵/۴ درصد شده است. (ر.ک؛ همان) بنابراین یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهـان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شـدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند». (ر.ک؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج۴: ۴۶۷)

۵-۱-۳- استحکام خانواده

شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین شـود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان شود، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشـبخت کردن او به شـمار برود، در حالی‌که از نظر سیسـتم آزادی و کامیابی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانواده بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

۵-۱-۴- آرامش و امنیت

زن موجودی گرامی و معزز و نقش او سرنوشت‌سـازی و تربیت بشـر اسـت. ارزش او فراتر از آن اسـت که در معرض و دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشـد. (ر.ک؛ قائمـی، ۱۳۷۳: ۳۹۰) حفظ حریم زن باعث مصونیت او می‌شـود و اولین اثر را بر آرامش روحی او دارد، زیرا در سـایه محفوظ ماندن این حریم بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ کس جرأت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیشامدهای احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هرچه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود. (ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۱) امیر مؤمنان علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ داشـتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی او است». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹: ح۵۸۲۰)

۵-۲- آثار اجتماعی حجاب

۵-۲-۱- مسؤولیت‌های اجتماعی

هر فردی در برابر جامعه خود مسـؤول است. این مسؤولیت، عام است، یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها.

۵-۲-۲ - آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان باحجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای خـود آزادترند، زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند». (مطهری، ۱۳۷۳ : ۱۰۱-۱۰۰)

بنابراین بی‌حجابی و بدحجابی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. خداوند می‌فرماید: وَقَرْنَ فِی بیوتکن وَلاَ تَبَرجْنَ تَبَرجَ الْجَاهِلِیه الأُولَی وَأَقِمْنَ الصلاه وَآتِیـنَ الزکَاه وَأَطِعْنَ‌الله وَرَسـولَه إنمَا یرِیدالله لِیذْهِبَ عَنکم الرجْسَ أَهْلَ الْبَیْـتِ وَیطَهرَکمْ تَطْهِیرًا: و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپـا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسـول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شـما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (الأحزاب/ ۳۳)

۵-۲-۳- سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هرچه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هرچه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند، تقویت شود. هرچـه گرایش جامعه به حجاب شـدت یابد، از مفاسـد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالیه اسلام است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «بعِثت لِأتَممَ مَکَارِمَ الأَخلاَقِ: من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم». (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵). حجاب زن، به نص قرآن کریم، عفاف او است و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

۵-۲-۴- حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود اوقات هرکس در همان مسـیر کار صرف شـود و وسوسـه‌های ناشـی از دیدن‌ها، چهره‌سـازی‌ها و طراحی برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد نیروی کار ضعیف شود و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود. از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشـش اسلامی، زمینه را برای انواع مدپرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد. اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقید نکند و با لباس سـاده و مرتب و در حد پوشـش لازم در جامعه ظاهر شود، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدپرستی، خودبه‌خود از بین می‌رود. هزینه سـنگین مواد آرایشـی و لباس‌های گران‌قیمـت، به‌ویژه با تغییر مداوم مدها، بار مالی طاقت‌فرسـایی بر دوش خانـواده و جامعه تحمیل می‌کنـد و به علاوه باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود (ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۸).

۵-۲-۵- حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در قالب حجاب یا ستر سعی دارند اسـتقلال فکری خود را در قبول اسـلام اعلام کنند. در واقع، «لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین‌جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن، تغییر در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت، استقلال کشور زیر سوال می‌رود، بویژه از آن رو که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد اندیشه وابستگی در درون رخنه کرده، در ظاهر افراد نیز متجلی شده است». (قائمی، ۱۳۷۳: ۳۸۷ـ۳۸۵) مبارزه برای اسـتقلال فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشـه وجود داشته است؛ به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی(ع) به این حربه متوسل شده، گفت: «می‌ترسم آیین شـما را دگرگون سازد یا در این سرزمین فسـاد برپا نماید!» (غافر/ ۲۶). بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب.

■ نتیجه‌گیری

اثبـات تقـدس و تجاذب‌های حجـاب و عفـاف در متون دینی سبب‌ساز گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در بین زن و مرد جامعه خواهد شـد و سالم‌سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن، امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی حجاب سرچشمه در ضرورت پردازش شخصیت معنوی‌زا دارد و نبود الگوهای مناسب برای حجاب و عفاف سبب انتخاب الگوهای نازل حجاب در جامعه می‌شود. اصلاح هندسـه‌های معرفتی در باب ترویج مسـأله حجاب و عفاف مستلزم ارائه فواید و آثار تربیتی آن است، چه؛ فواید حجاب در حدی اسـت که بدون آن فرد و جامعه دچار لغزش و آسیب جدی خواهند شـد. آثار فردی حجاب شامل آزادی زن، سلامت جسمی، استحکام خانواده و آرامش و امنیت و آثار اجتماعی آن، شامل سلامت اخلاقی جامعه، مسؤولیت اجتماعی و حفظ نیروی کار و استقلال فرهنگی و سیاسی می‌شود. بنابراین حجاب را باید رفتاری الهی شمرد که باعث ارتباط بین فرهنگ و دین، عقل و ایمان، سیاست و دیانت و تکامل و اختیار در رفتار انسانی شده است.

نویسندگان

اکبر رهنما، زهرا علی‌اکبرزاده‌آرانی و مجید خاری‌آرانی

منبع: فصلنامه معارف قرآنی / شماره ۲۲